

روز قدس جمهوری اسلامی يك شیدای سیاسی است!

صفحه ۶

بر ابری ۵۶

تظاهرات در مقابل حضور احمدی نژاد در سازمان ملل

صفحه ۶

تلفن *0046733684151

ای میل babakshadidi77@yahoo.se

سر دبیر * بابک شدیدی

رابطه معکوس سانتریفیوژ و اعتیاد در ایران



بابک شدیدی

اوایل امسال و در مراسم نمایشی جمهوری اسلامی که به نام جشن هسته ای بر گزار شد احمدی نژاد طبق آماری اعلام کرد که در این روز رژیم اسلامی 5000 سانتریفیوژ را نصب کرده است از فردای همان روز بحث در این مورد تبدیل به بحثی داغ در تمامی روزنامه های داخل و خارج از ایران شد که آیا جمهوری اسلامی قادر به راه اندازی به یک باره 5000 سانتریفیوژ خواهد بود و اگر این امر واقعیت داشته باشد در چه زمانی این رژیم قادر به رسیدن به بمب هسته است اما پس از گذشت یک هفته رییس سازمان انرژی هسته ای ایران و سران رژیم تعداد سانتریفیوژهای نصب شده را 3000 سانتریفیوژ اعلام کردند. اما هفته گذشته و در کنفرانس هفتگی رییس جمهوری ایران با خبر نگاران احمدی نژاد در پاسخ به سوالی در مورد فاجعه اعتیاد در ایران این را دروغی واهی خواند و اعلام کرد طبق آمار رسمی در ایران 250 هزار معتاد و 5 هزار معتاد تزریقی وجود دارد. البته همه و حتی آنانی که در آن جلسه بودند با نگاهی تعجب آمیز متوجه جفنگیات احمدی نژاد شدند البته این چیز تازه ای نیست احمدی نژاد در تلاوت این جفنگیات ید بالا و طولانی دارد نمونه بارز آن همان دختر دانش آموز و نابغه ای که در زیر زمین خانه خود انرژی هسته تولید کرده بود. اما نگاه کوتاهی به آمارهای خود دستگاههای رژیم نمایانگر این موضوع

صفحه ۲

مصاحبه با نسان نودینیان در مورد کشمکش بین روسیه و گرجستان



را که اوایل دهه نود میلادی از گرجستان اعلام استقلال کرده بودند، به رسمیت شناخت.

صفحه ۳

سوال: تحولات اخیر در قفقاز و لاینفک و محتوم اینگونه عملیات طراحی شده از طرف قدرتهای بزرگ روپاده است. مراکز تجمع شهروندان پاپتخت اوستپای جنوبی، دانشگاهها، بیمارستانها، امکان مسکونی هدف قرار گرفتند. هدف این حمله در همان ساعتهای اول مشخص بود، بمباران بمنظور تلفات سنگین بر مراکز کاری و ایجاد رعب و وحشت و تلفات سنگین. گرجستان مپخواست با کمک نبروهای نظامی خود کنترل اوستپای جنوبی را باردیگر به دست بگیرد که با واکنش فوری و نظامی روسیه روبرو شد. و مسکو استقلال آبخازپا و اوستپای جنوبی

یک نوشته از منصور حکمت

بازپس گرفتن زمان و مکان!

نقد سرمایه داری، رابطه زیربنا و روبنای اجتماعی



صفحه ۳

(یک توضیح: در ادامه بحث در باره کمونیسم کارگری "چگونه فکر میکند"، منصور حکمت بعد از توضیحاتی در مورد متد فکری جریان ما که در شماره قبل جوانان آمد، به نقد ما از جامعه حاضر و همچنین به رابطه بین زیربنای اقتصادی جامعه و روبنای سیاسی و

اطلاعیه بمناسبت روز جهانی کودک بهبود وضعیت کودکان همین امروز

هیچگاه در تاریخ جامعه بشری، زندگی صدها میلیون کودک در سطح جهان با کودکان با این همه کمبود، این همه سختی، مخاطرات جدی مواجه نبوده است. در این همه مصیبت و این همه دوگانگی در قلب این دنیای پیشرفته، کودکان کنار کوه عظیمی از ثروت، تمدن و محرومترین بخش این جامعه جهانی امکانات شگرف برای زندگی روبرو نبوده است. هیچگاه همچون امروز زندگی

صفحه ۶



ادامه از صفحه اول رابطه معکوس

ارائه می دهند که هنوز آماده ترک نیستند که شامل غذا و درمان برای اچ.آی.وی و امراض منتقله به وسیله اعمال جنسی است.

مطابق گزارش دفتر سازمان ملل در امور مواد مخدر و جرائم حمایت دولت ایران برای درمان اعتیاد نسبت به سایر دول اسلامی که سعی در کاهش هزینه های اجتماعی مواد مخدر دارد بیشتر است.

«به نوشته نیویورک تایمز هر چند که احمدی مقدم در همایش مبارزه با مواد مخدر تعداد معتادین ایرانی را 1 و یک دهم میلیون نفر اعلام کرد ولی «احمد خاوند» به عنوان یک مقام در وزارت کشور در سال 2005 و در کنفرانسی مشابه تعداد این افراد را ده میلیون دانست که به عبارتی از هر هفت ایرانی یک نفر به مواد مخدر معتاد است.

به نوشته این روزنامه معتبر آمریکایی جنوب تهران منطقه ای است که معتادان به راحتی در پارکها می خوابند و در ملامع مواد را به خود تزریق می کنند. حتی در مناطق اعیانی این شهر ششصد بوی تریاک به امری عادی بدل شده است. به نوشته نیویورک تایمز کشیدن تریاک در فرهنگ ایرانی ریشه دوانده است و ایرانیها تریاک را به عنوان یک مسکن موثر قلمداد می کنند و استفاده از آن از لحاظ اجتماعی قابل قبول است.

بسیاری از معتادین اعتیاد را از کشیدن سیگار تریاک به صورت تفننی آغاز می کنند و وقتی به آن وابسته شدند رو به سوی هروئین و سایر مشتقات تریاک می آورند.

به نوشته این روزنامه در بسیاری از شهرهای ایران تجهیزات استعمال تریاک جزء چهیزیه عروس است. قبل از انقلاب سال 79 حکومت ایران برای جلوگیری از فروش تریاک آن را بین معتادین پخش می کرد.

«دکتر علی علوی» از دفتر سازمان ملل در امور مواد مخدر و جرم می گوید «تریاک مانند شامپاین برای فرانسویان در فرهنگ ایران است و بسیاری آن را برای سر گرمی استفاده می کنند» (...).

اما هفته قبل سایت حکومتی برنا

وابسته به سازمان ملی جوانان ایران و نزدیک به دولت در گزارشی تکان دهنده از وضعیت اعتیاد در ایران به بحث در مورد کاهش سن اعتیاد در ایران پرداخته و اعلام داشته است که سن اعتیاد از 19 سال به 13 سال کاهش پیدا کرده است در اینجا عین گزارش سایت برنا در زیر آمده است.

کاهش سن اعتیاد به مواد مخدر سازمان ملی جوانان با انتشار گزارشی از کاهش سن اعتیاد به مواد مخدر در ایران اعلام کرد که روزانه ۳۰۰ نوجوان به مواد مخدر معتاد می شوند. انتشار این آمار ساعتی پس از آن صورت گرفت که اسماعیل احمدی مقدم، که همزمان فرماندهی نیروی انتظامی و دبیری ستاد مبارزه با مواد مخدر را بر عهده دارد، در کنفرانسی خبری ادعا کرد، این نیرو موفق شده است که در کمتر از یک سال میزان مصرف مواد مخدر در کشور را از ۷۰۰ تن به ۲۰۰ تن برساند.

اظهارات آقای احمدی مقدم در حالی بیان شد که خبرگزاری «برنا»، ارگان رسمی سازمان ملی جوانان، اعلام کرد «جدیدترین آمار ارایه شده از میزان معتادان کشور حاکی از کاهش چشمگیر سن اعتیاد در کشور از ۱۷سال به ۱۳ سال است.»

بیشترین جمعیت مصرف کننده مواد مخدر در ایران نیز بنابر اعلام این سازمان، در محدوده سنی ۱۸ تا ۳۰ سال قرار دارند. در این گزارش که به نقل از «منابع آگاه در ستاد مبارزه با مواد مخدر» منتشر شد، در خصوص الگوی مصرف مواد مخدر تاکید شده که تریاک همچنان با ۶۹ درصد در صدر پرمصرف ترین مواد مخدر است، و پس از آن هروئین با ۲۶ درصد و حشیش با پنج درصد در رتبه های بعدی بیشترین مصرف در میان معتادان ایران هستند.

در گزارش سازمان ملی جوانان تاکید شده که بنابر جدیدترین بررسی های انجام گرفته، میزان گرایش جوانان به دو ماده مخدر جدید و بسیار پر خطر «کراک» و «شیشه» نیز به طور نگران کننده ای در حال افزایش است. چند ماه پیش از این مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی نیز گزارشی آماری از

از اعتیاد به مواد مخدر در ایران انتشار داده و اعلام کرد: «بیشترین معتادان به مواد مخدر در محدوده سنی ۲۰ تا ۵۰ سالگی قرار می گیرند.» این مرکز همچنین در گزارشی دیگر گفت که روند اعتیاد، خانه، قتل، نزاع و جرائم جنسی را مورد بررسی قرار داده و افزود: «بررسی روند آسیب های یاد شده نشان می دهد که برخی از آسیب ها همانند اعتیاد روندی کاملاً صعودی دارد به گونه ای که میزان آن در یک دوره هفت ساله تقریباً دو برابر شده است.»

سن استفاده از مواد روانگردان و مخدرهای صنعتی نیز در ایران با کاهش شدید مواجه شده است. اگر چه ستاد مبارزه با مواد مخدر از یک سال پیش تاکنون آمار جدیدی در این خصوص منتشر نکرد اما مدیرکل پیشگیری از آسیب های اجتماعی وزارت آموزش و پرورش چند ماه قبل اعلام کرد: «استفاده از مواد روانگردان در میان نوجوانان ایرانی از سن ۱۵ سالگی کاهش یافته است. در آمار ارائه شده از سوی محسن فریدی که خبرگزاری مهر آن را منتشر کرد، وی تاکید کرده بود: «بر اساس آمارهای محرمانه، مصرف مواد روانگردان در میان نوجوانان و جوانان کشور به شدت افزایش پیدا کرده است.»

به گفته مدیرکل پیشگیری از آسیب های اجتماعی وزارت آموزش و پرورش، «تاکنون ۱۵ هزار نفر آمارهای مصرف مواد مخدر در ایران تا ۱۵ سال بین زن و مرد رسیده است.»

در این زمینه، معرفی کرد و ضمن رد آمارهای سازمان ملی جوانان از کاهش سن اعتیاد، تعداد معتادان زیر ۲۰ سال کشور را حدود ۴۰ هزار نفر اعلام و تاکید کرد که بیشترین میزان مصرف در طیف سنی ۲۰ الی ۳۵ سال وجود دارد.

آمارهای انتشار یافته دیگر اما ادعای ستاد مبارزه با مواد مخدر را نیز رد می کند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی، «ایرنا»، در تیرماه سال جاری به نقل از رییس سازمان بهزیستی استان زنجان گزارش داد: «پایین آمدن سن آسیب دیدگان اجتماعی به خصوص سن اعتیاد هشدار دهنده است و این مقطع هم اکنون به ۱۵ تا ۲۴ سال کاهش یافته است.»

همین خبرگزاری به نقل از مقامات محلی در استان چهار محال و بختیاری گزارش داد که بیشتر معتادان این استان «نوجوانان و جوانان رده سنی بین ۱۵ تا ۳۰ سال هستند.»

سایر استان ها نیز آمارهای مشابهی را در اختیار خبرگزاری های رسمی کشور قرار داده اند اما آماری که ابوالقاسم طوسی، مدیرکل بهزیستی استان سیستان و بلوچستان از کاهش سن اعتیاد به مواد مخدر در این استان داده حاکی از آن است که «سن مصرف مواد مخدر به ۱۰ تا ۱۵ سال بین زن و مرد رسیده است.»

موسی الرضا ثروتی، یکی از نمایندگان مجلس نیز اخیراً به روزنامه همشهری گفته بود: «بر اساس آماری که ستاد مبارزه با مواد مخدر اعلام کرده است، ۲۵ درصد معتادان، اعتیاد را از زمان مدرسه شروع کرده اند.»

به رغم انکار آمارهای جدید و هشدار دهنده از گسترش اعتیاد در کشور، و کاهش سن اعتیاد که از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر صورت گرفت، اسماعیل احمدی مقدم، دبیر کل همین ستاد روز ۲۲ مرداد به خبرگزاری دولتی ایرنا گفته بود: «بیش از ۹۰ درصد معتادان در سن جوانی اعتیاد به مواد مخدر را تجربه کرده اند به همین دلیل در امور پیشگیریانه ناچاریم جامعه جوان را در اولویت برنامه ها قرار دهیم.»



نیویورک تایمز در ادامه مینویسد به علاوه 1250 مرکز در ایران «متادون»؛ سرنگ رایگان و دیگر خدمات را به معتادانی



مرکز پژوهش های مجلس زمستان گذشته نتایج یک پژوهش انجام شده در مورد اولویت بندی آسیب های اجتماعی را انتشار داد که بنابر آن، «از دیدگاه یک هزار نفر از اعضای هیات علمی دانشگاهها، قضات، فرهنگیان، کارشناسان و روحانیان و مدیران و معاونین دستگاه ها از میان ۲۸ مسئله اجتماعی مورد سوال، اغلب پاسخگویان از بیکاری، اعتیاد، فقر و طلاق به عنوان مهمترین مشکلات اجتماعی کنونی نام برده اند.»

تمامی گزارشات بالا از اظهار نظر های مسئولین جمهوری اسلامی است که بین آنها اختلافهای بسیار فاحشی در ارایه آمار و ارقام دیده میشود اما یک مسئله بسیار مهم است و آن کاهش سن اعتیاد است زنگ خطری که برای دانش آموزان در ایران به صدا در آمده است با دیدن این آمار و ارقام و مقایسه تلویحی آن میتوان به آمار و ارقام گر چند میانگینی اما فاجعه بار دست یافت بیش ۱۵ میلیون معتاد علنی و بالای ۵ میلیون معتادانی که علنی نیستند ولی به طور روزمره با مواد مخدر در ارتباطند. و مهمتر از همه اینها کاهش سن اعتیاد و فراگیر شدن آن در میان کودکان و زنان است. همچنین ورود مواد مخدر شیمیایی و خطرناک همچون شیشه و کراک هم از مسائل مهم است.

اما به توجه به این مشکلات و مشکلات جامعه به نظر من مهمترین عامل این فاجعه در ایران خود جمهوری اسلامی و دستگاه اطلاعاتی آن است که ترانزیت مواد مخدر از افغانستان تا امریکای جنوبی را به ایران و اروپا در دست دارد و از این راه میلیاردها دلار را به جیب سران و آخوندهای رژیم اسلامی سرازیر کرده است و تنها راه مبارزه با مواد مخدر و رهایی جوانان ایران از این وضعیت سرنگونی رژیم اسلامی سرمایه است.

ادامه از صفحه اول مصاحبه با نسان نودینیان در

مورد.....

اقدام سریع و قاطع روسیه در این رابطه و حساسیت و عکس العمل آمریکا و دیگر کشورها به این اقدام ربط آنچنانی دفاع آنها از اوستیای جنوبی و منافع مردم در آن ندارد و ریشه آن در رقابت و کشمکش بین این قدرتها نهفته است. گرجستان هم مرز با روسیه و به همین دلیل میخواهند این کشور را عضو ناتو کنند. حمله روسیه بدان و مستقل کردن این دو قسمت و برسیمت شناسی آن و حتی بستن قرار دادهای نظامی و همکاری اقتصادی با آنها جواب روشنی بود به این برنامه آمریکا و ناتو در منطقه اضافه بر اینها اوستیای جنوبی بک پایگاه مرزی برای امریکا و ناتو محسوب میشود. دوهزار نفری

نظامی را همراه نیروهای نظامی امریکا در عراق مستقل کرده. در همسایگی روسیه و در نزدیکی صحنه ی جنگ خاورمیانه در آسیای مرکزی قرار دارد. اوستیای جنوبی نیز بک چهار راه استراتژیک عبور لوله های نفت و گاز است. روسیه هم که از مبنکران و دست اندکار اوپک است و میخواهد کنترل ارسال گاز به اروپا را از اینطرف در دست داشتند! با تعاریف و تصویری که از حمله مقطعی گرجستان به اوستیای جنوبی و دخالت قدرتهای بزرگ نظامی بدست داده شد، جنگ قفقاز و تحولات کنونی در دل صف بندیهای این منطقه و نیروهای درگیر در معادلات منطقه ای بمنظور حفظ هژمونی بکی بر دیگری قابل تعریف و رویت است. قطب بندیهای جدید، گوشه هائی از ادامه و سرانجام جنگ در عراق و بازتاب این تحولات هستند. بقول وپلپام کرپستول و لارنس اف کاپلان در کتاب مشترک خود با نام ((جنگ بر فراز عراق)) نوشته اند: ماموریت در بغداد شروع میشود و در جانی دیگر خاتمه می یابد... این نظریه قیل از اینکه بخواد به تحولات در خاورمیانه بپردازد، بیان بک واقعیت عظیمتری است که حمله نظامی امریکا به عراق شروع دور جدیدی از نظم نوین جهانی بسرگردگی امریکا بود، که در شرایط کنونی انجام نقش جدید قدری آن با مشکلات جدی روبرو شده است. امریکا تلاشهای زیادی با هزینه های گزاف مبلپارد دلاری بخرج داده که توازن موجود قدر قدرتی خود را حفظ کند. با هزینه های نجومی مالی سرمایه گذاری نظامی در آسیای مرکزی را بعنوان پیشبرد اهداف خود و معماری است. سیر رو به رشد رویدادها بر این واقعیت تاکید دارد که، دوره نظم نوین جهانی بسرگردگی امریکا رو به افول است. و اکنون دوره کسوف نظم نوین جهانی بسرگردگی امریکا شروع شده.

اما، بعد از فروپاشی دیوار برلین جنگ در مناطق بالکان و قفقاز در اشکال مختلف در جریان بوده. حمله امریکا در ۲۰ ژانویه ۱۹۹۱ سر آغاز جنگ های خونین در مناطق خاورمیانه، بالکان و قفقاز است. جنگ بر سر تقسیم جهان، جنگ برای قدر قدرتی و اینکه کی ژاندارم منطقه است، ماحصل ایندوره است که به طلوع خونین نظم نوین جهانی معروف است. به نظر من جنگ قفقاز از قاعده جنگهای دو دهه گذشته مستثنی نیست. اما آنچه تفاوتهای موقعیت کنونی را متمایز میکند، موقعیت امریکا در عراق و افغانستان، از بک طرف و موقعیت روسیه در دل کشمکشهای چند سال گذشته در ارتباط با جمهوری اسلامی و شروع دوره جدیدی برای باز تعریف قدر قدرتی توسط روسیه و امریکا است. برای درک درستتر بحران

در قفقاز و موضع اصولی در قیل آن باید موقعیت نیروها و کشورهایی را بررسی کرد که در بکی دو دهه گذشته مرکز این بحرانها بوده اند. امریکا و روسیه دونیروی اصلی نام گذاری شده اند، دلخوریهای برادرانه چین و روسیه در دوران جنگ سرد هم منتهاست بیپایان رسیده و نیاز هر دو به منابع و ساکنان همدیگر بمثابة نیروی کار و بازار مصرف بیشتر شده و عملا مزاحمت برای همدیگر ایجاد نمیکند. کشورهای دیگر هرکدام بسهم خود در کشمکشهای این مناطق دخیل و دنبال سهم و قدرت در قطب بندیهای کنونی هستند. جمهوری اسلامی، ترکیه و سوریه سه نیروی دخیلتر از همه کشورها هستند. حضور و مساله اینها کاملا روشن است. ترکیه که دنبال تحکیم موقعیت بیشتر در ارتباط با ناتو است و جمهوری اسلامی اساسا مرکز بحران و دعوایهای کنونی است. ایران با بحران اتمی میخواهد در خاورمیانه بوژه وقتی خود را در مقابل امریکا در عراق و در مقابل اسرائیل در مناطق غزه و فلسطین موفق ارزیابی میکند، بر اسب اسلام سیاسی سوار شود و با حفظ این موقعیت در مقابل مردم ایران بایستد و به عمر حاکمیت سپاهش بیفزاید! بدون در نظر گرفتن این فاکتورها و دخیل کردن موقعیت هر کدام از این کشورها در اوضاع سیاسی کنونی بررسی تحولات قفقاز ناقص است. به نظر من مساله استقلال و برسمیت شناختن آبخازبا و اوستیای جنوبی توسط روسیه و تدارک حمله فوری و نسبتا برق آسا به گرجستان شروع دوره پیشرفت تری برای روسیه در مقابل امریکا و تکمیل روندی است که روسیه میخواهد طی کند.

در ادامه وضعیت کنونی سوال این است که تاثیر تحولات قفقاز و تحرکات نظامی کنونی بر اوضاع سیاسی ایران چیست؟ بسیاری از احزاب و رسانه ها میگویند که جنگ در قفقاز و حمله گرجستان به اوستیای جنوبی و عکس المعل شدید و فوری روسیه در واقع تمرینی است توسط نیروهای ائتلاف امریکا برای حمله به ایران! جمهوری اسلامی در وضعیت کنونی و ابژکتیو دارای ببا و بروی فعال است. همین چند روز قیل بود که شتابان مایر وزیر امور خارجه آلمان در ارتباط با بحران قفقاز با مقامات جمهوری اسلامی به مشورت نشست. به نظر من از واکنش سریع و فوری روسیه خوشحال شد و اظهار رضایت دارد. بالاخره جمهوری اسلامی فکر میکند در تحولات چند ساله اخیر او توانسته با اسلام سیاسی اش در عراق و افغانستان در مقابل امریکا بایستد و این منطقه را به وضعیت بحرانی تر سوق دهد. اینها همه به نفع او هستند و در واقع اسلام سیاسی همچوقت در چنین موقعیتی قرار

نگرفته، و روی دیگر سکه این تحولات مساله حمله نظامی به ایران و تهدیدات جنگ است. این وضعیت دوفاکتو یعنی جنگ و حمله نظامی به ایران و پایان بحران اتمی کماکان وجود دارد. بکی از احتمالات کماکان حمله به ایران است، اما با این حرارتی که تعدادی از اپوزیسیونها میگویند و دلشان برای حمله به ایران تنگ شده و برای کسب مقام در مراکز مرکزی و دولت فدرال عجله دارند، سرعت سناریوی باب دل اینها نیست. اپوزیسیون پرو امریکائی به مخاطرات جنگ و عواقب زبانبار آن در قیل زندگی مردم خود را بی مسئولیت کرده اند. جنگ در قفقاز نشان داد که اگر سناریو و نقشه های امریکا در اقدامات نظامی، و حمله به ایران عملی شود و نقشه ایجاد بک فاجعه بزرگ انسانی عملی شود، قربانیان بشمار اهداف بمباران شده چطور به بک فاجعه مرگبار تبدیل میشود. ما مخالف جنگ و حمله نظامی به ایران هستیم، مردم ایران مبروند که با سازماندهی تعرض انقلابی خود را برای سرنگونی رژیم جنایتکار اسلامی آماده کنند.

ادامه از صفحه اول

یک نوشته از منصور حکمت...

سیاسی و فرهنگی و ایندولوژیک، همچنان نقش عنصر فعال، نقش جنبش های اجتماعی را کلیدی میدانیم.

در ادامه این بحث ها که هفته های آینده خواهد آمد، منصور حکمت مقولات کلیدی مختلف در تفکر کمونیسم کارگری را به اختصار مورد اشاره قرار میدهد.

همچنانکه قیلا توضیح دادیم این سیمنار که برای اولین بار اینجا مکتوب میشود با این هدف برپا شد که بحث کمونیسم کارگری را یکبار دیگر بصورت جمعبندی شده و موجزی به صف جدیدی که به حزب می پیوندد ارائه دهد. امید است که این بحث ها سرخنی باشد برای مطالعه ادبیات غنی منصور حکمت و کمونیسم کارگری. برای مثال نقد ما بر کاپیتالیزم را میتوان در اثر مشهور منصور حکمت به نام "اسطوره بورژوازی ملی" مطالعه کنید که در جزئیات همین نقدی که متکی بر نقد مارکس به جامعه حاضر است و اینجا بطور فشرده مطرح میشود را باز کرده و توضیح داده است

در پیاده کردن این بحث طبق معمول ما کوشش کرده ایم حتی الامکان به اصل شفاهی وفادار بمانیم و هرجا کلمات و عباراتی اضافه کرده ایم، آنها را در پرانتز آورده ایم. تیتیر فوق و سوتیتیرا از ماست. جوانان کمونیست)





سمینار دوم میانی کمونیسم کارگری ژانویه 2001 ارکان عقیدتی کمونیسم کارگری (ادامه بحث)

اما نقد ما چیست؟ این متد ما بود، متد دخالتگر و سیاسی. نقد ما (به جامعه حاضر) چه هست؟

نقد ما بر اساس سرمایه داری

نقد ما از کاپیتالیسم با بعضی ها فرق میکند. (البته) بعضی ها ممکن است به نقد ما سمپاتی داشته باشند ولی اساس اعتراضشان به کاپیتالیسم چیز دیگری باشد. نقد ما از کاپیتالیسم نقدی به اساس استثمارگرانه کاپیتالیسم است. به کار مزدی. و به نوعی (از مناسبات اجتماعی) که بشریت مجبور است نیروی کارش را بفروشد و از آنطرف با محصول (کار خود) اش در بازار مواجه بشود، و انباشت سرمایه در مقابلش!

این تنها نقد "مارکسیستها" به کاپیتالیسم نبوده است. الان ممکن است به نظر شما بدیهی بیاید چون خیلی از ما با سنت کمونیسم کارگری از قدیم آشنا هستیم. ولی کمونیست هایی بوده اند که از عقب ماندگی کاپیتالیسم شکوه کرده اند و علیه عقب ماندگی کاپیتالیسم در کشور خودشان پرچم دست گرفته اند! کمونیست هایی بوده اند که علیه وابستگی کاپیتالیسم پرچم دست گرفته اند و سعی کردند "سرمایه داری مستقل" را رشد دهند! کمونیست هایی بودند - کمونیست در گیومه دارم میگویم، جنبش های کمونیستی طبقات دیگر - که سعی کردند "راه رشد غیر سرمایه داری" را، یعنی نه سرمایه داری و نه سوسیالیسم را پیش روی جامعه قرار دهند. و کمونیستها و سوسیالیست هایی بودند که سعی کرده اند جوانب غیر انسانی کاپیتالیسم را تخفیف دهند. همه این ها بوده است.

این (جنبش کمونیستی کارگری) جریانی است که میگوید اعتراض ما به کارمزدی است. نه به فاز آخر کاپیتالیسم یعنی امپریالیسم، (بلکه) به خود کاپیتالیسم (است)! چون کمونیستهایی بودند که به ورود کاپیتالیسم به عصر امپریالیسم اعتراض داشتند و به جنبه امپریالیستی سرمایه داری در کشورشان اعتراض داشتند. این جنبش کمونیستی کارگری به کاپیتالیسم در انگلستان و فرانسه ایراد دارد. و نه فقط به کاپیتالیسم فیلیپین یا مصر، که اگر تبدیل بشود به فرانسه ما به مشروطه مان رسیده باشیم! ما به کاپیتالیسم در مدل سوئدی آن نیز اعتراض داریم؛ چون ما به کاپیتالیسم اعتراض داریم. و این دقیقاً به خاطر این است:

اینکه یه عده آدم صبح پا بشوند، بروند سرکار و قوه جسمی شان و توان خلاقیت شان را، به یک صورت دست و پا بریده

ای، به یک جماعتی که آنطرف آن حصار نشسته اند بفروشد، و او (یکی از آن جماعت) به شما یک ژتونی بدهد به اسم پول، که شما بروید (با آن پول) بخشی از محصول کارتان که از آن در رفته بیرون را برای ادامه حیات تان بخرید، ما این را قبول نداریم. به نظر ما این اساس بدبختی بشریت امروز است. برای اینکه آنهایی که دارند این مزد را از اینطرف میدهند، از آنطرف ارتش درست میکنند. از آنطرف زندان درست میکنند. چون شما سرپیچی میکنید و بیشتر میخواهید. از آنطرف تبعیض نژادی به راه می اندازند، از آنطرف تقسیم جنسی ات میکنند. از آنطرف شما را به "متروپل" و "مستعمره" تقسیم میکنند، از این طرف تقسیم میکنند به صنعتی و کشاورزی و یا به شهر و روستا! تمام واقعیت چندانش آور کاپیتالیسم امروز بر همین پدیده اولیه بنا شده: که جامعه تقسیم شده است به آدمهایی که یک عده از آنها باید بروند برای عده دیگری (کار کنند. برای عده ای) که به دلیلی که حالا میشود فهمید چطور، وسائل تولید را گرو گرفته اند و نمی شود رفت بطور جمعی تصمیم گرفت و با آن کار کرد، (چون) مال او هست. و بنا به تعریفی که او کرده صاحب محصول تولید شده آن کسی هست که وسیله تولید را آورده است و نه (آنکه) کار را! در نتیجه هر جنسی که شب در کارخانه می ماند، (چون) در صحن کارخانه است، مال کارفرما است. شما پول (مزد) تان را گرفته اید و میروید بیرون و محصول کارتان را از آن فروشنده، که بخش دیگری از همان طبقه است، میگیرید. ما به این اعتراض داریم

و میدانید چرا مهم است تاکید و بحث بر سر این مساله؟ برای اینکه شما وقتی سرکار بیایید همان چیزی را عوض میکنید که به آن اعتراض دارید. کسی که به این (کار مزدی) اعتراض ندارد وقتی سر کار بیاید این را عوض نمی کند. کسی که به "ناموزنی سرمایه داری" اعتراض دارد، وقتی سر کار بیاید سعی میکند آنرا "موزون" کند. کسی که به "آناژی سرمایه داری" اعتراض دارد، وقتی سرکار بیاید سعی میکند "برنامه ریزی" را بیاورد. کسی که به "عقب ماندگی سرمایه داری" اعتراض دارد، سعی میکند آن (سرمایه داری) را رشد بدهد. ولی کسی که به نفس سرمایه داری اعتراض دارد لابد سعی میکند نفس سرمایه داری را دگرگون کند. این انتقاد از نظر یک مسابقه هوش نیست، که ببینیم کی بهتر از سرمایه داری انتقاد میکند! بلکه، اینکه شما چه نقدی بر جامعه موجود میگذارید، دارد میگوید که شما اگر سرکار بیایید چه

چیز را عوض میکنید. هرکس، بعنوان یک جنبش سیاسی، همان چیزی را که نمی خواهد عوض میکند.

باز پس گرفتن زمان و مکان!

در نتیجه کلیدی بودن این مفهوم (نقد کار مزدی) برای ما بخاطر این است که هویت ما را تشکیل میدهد. ما اگر بیاییم سرکار، جنبش طبقه کارگر اگر زیر پرچم کمونیسم کارگری پیروز شود، آنوقت باید دست برد به مناسبات ملکی و این موقعیت را از بین ببرد که یک عده صاحب وسائل تولید هستند. صاحب زمین هستند، صاحب کارخانجات هستند، صاحب وسائل ترانسپورت هستند، space صاحب فضا هستند! فضا! نفس مال اوست.

آیا دقت کرده اید که جهان خیابان ندارد؟! همه اش خانه است، ساخته شده است. (بطوری که) اگر شما از خانه خودتان بیرون بروید در خانه بغل دستی می افتید. اگر خانه واقعی شما آتش بگیرد شما به خیابان میروید. ولی در جهان امروز اگر خانه شما (کشوری که زندگی میکنید) دستخوش جنگ و قطعی بشود (و بخواهید فرار کنید) می افتید در خانه بغلی! خیابانی وجود ندارد. قبلاً همه جا را به اسم خودشان کرده اند. در نتیجه به شما میگویند "پناهنده"! نمی توانید بگویید: "نه آقا من پناهنده نیستم. من از آنجایی که آتش سوزی بود یک قدم بیرون گذاشته ام. آنجا دارند میکشند من به خیابان آمدم. کما اینکه اگر خانه شما آتش بگیرد به خیابان میروید. به خانه همسایه نمی روید. ولی شما متاسفانه دیگر خیابانی که مال همه باشد باقی نگذاشته اید..."

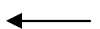
فضا را گرفته است! فضا مال اوست. و حتی به یک معنی زمان را نیز گرفته است. از پیش تعیین کرده است: تا شش سال پیش پدر و مادرمان هستیم. بعد میرویم یک جایی به اسم مهد کودک، (بیخشید) بعد به مدرسه میرویم - من شش سالگی به مهد کودک رفتم. (خنده حضار)... بعد میرویم مدرسه، بعد میرویم دانشگاه، بعد میرویم به بازار کار. یا اگر به دانشگاه نروید از مدرسه بیرونتان میکنند و در بازار کار میروید سرکار. و بعد میروید بازنشسته میشوید و بعد میبیرید. برایتان چیده است! سیر زندگی انسان امروز را چیده است. یک پلنگ اینطور زندگی نمی کند. یک سوسک اینطور زندگی نمی کند. شما نمی توانید تضمین کنید که وقتی یک سوسک بدنیا می آید در همانجا می ماند و آن مسیری را که تعیین کرده اند طی میکند. ولی بشر این کار را میکند. داستان تاریخ را گرفته و منجمد کرده است. اینها بخاطر آن است. و شما مهره هایی هستید که در این فضا و در این سیر زمانی که برایتان چیده است زندگی

میکند. (اگر) اینرا نمی خواهید عوض کنید، به نظر من شما دیگر کمونیسم کارگری نیست. ممکن است مشی شما سوسیال دمکراسی باشد. ممکن است لیبرالیسم باشد. ممکن است آدم خیلی خوبی باشید. ممکن است "فابین" باشید. ممکن است همه چیز باشید. ولی کمونیسم کارگری میخواهد این پدیده را عوض کند. میخواهد زمان و مکان و وجود و ماده را از دست طبقه حاکمه در بیاورد. مال همه باشد. بشود رفت دسته جمعی و با کمک همدیگر تصمیم گرفت که چه کار باید کرد و یا اگر نخواستید کار نکنید

راستش یک وجه کمونیسم که کسی یادش نمی آید بگوید این است که اگر نخواستی کار کنی، میتوانی کار نکنی. همانطور که میشود فرض کرد هیچ کس تمام عمرش زمین نمی نشیند و پا میشود و راه می افتد، بنظرم میشود فرض کرد که بشریت پا میشود تا خلق کند. میشود فرض کرد بشریت پا میشود جستجو کند. میشود فرض کرد آدمیزاد کنجکاو است. چون قبل از اینکه فشار هیچ کارفرمایی باشد بچه زبان یاد میگیرد. و شروع میکند به ور رفتن با محیط اش. در نتیجه کمونیسم بر فرض زنده بودن آدمیزاد بنا شده است. هیچ قانونی برای اجبار کار کردن و اجبار زندگی کردن (لازم نیست). "شما موظف هستید نفس بکشید!" اینرا آدم به هیچ کس نمی گوید. فرض میکند که طرف خودش میخواهد نفس بکشد. اینکه کسی میخواهد خلق کند، میخواهد سر در بیاورد و میخواهد دست ببرد، در این جامعه سرمایه داری فکر میکنند که اینرا باید با کمک حداقل دستمزد و اجبار به کار و قانون بیمه بیکاری و زدن از و لفر تضمین کنند. در جامعه سوسیالیستی گفته میشود که این موقعیت داده بشر است. شما اگر دست از سرش بردارید خودش می رود خلق میکند و تولید را سازمان میدهد.

اینجاست که به نظر من نقد ما از کاپیتالیسم نقدی است بر جوهر اساسی تقسیم طبقاتی، کارمزدی و مالکیت خصوصی، همانطور که مورد نظر مارکس بود. بنابراین ما معتقدیم ما مارکس را درست دیده ایم. و ما روایتی دقیقی از مارکس بیان میکنیم که معتقدیم سرمایه داری باید از بین برود. به این معنی که کار مزدی باید از بین برود. پول از بین برود، و مالکیت خصوصی (از بین برود) و مالکیت اشتراکی (برقرار) بشود.

"بازار بعلوه دولت"، قبول نیست. "کارمزدی بعلوه برنامه"، از نظر ما قبول نیست. یعنی چه کارمزدی (باشد) ولی اقتصاد برنامه ریزی (برقرار) باشد. اینها جواب چیزی نشد. فقط اینرا نشان به





میدهد که یک مرجعی نقش کاپیتالیستها را بعهده گرفته است. تفاوتی را در زندگی آن کسی در روسیه کار میکند را نشان نمی دهد: که این دیگر کارگر مزد بگیر نیست. بلکه شهروند صاحب حق و صاحب سهم جامعه است. به نفس اینکه به دنیا آمده میتواند برود و در فعالیت هایی که هست شرکت کند. این نقد برای ما تعیین کننده است.

زیربنا، روبنا، و قضاوت معاصر یک بحث دیگر باز ما را از نظر تئوریک متمایز میکند، بحث رابطه بین زیربنا و اقتصادی با روبنا و فرهنگ و سیاست است. باز یک اتهامی که به کمونیستها میزنند این است که اقتصاد ظاهرا سیاست را تعیین میکند و آن هم فرهنگ را تعیین میکند و دترمینیسم در سطح عرضی هم اینجا هست. اقتصاد همه چیز را دیکته میکند. کما اینکه رفیق اعظم گفت اگر اقتصاد طرف اینطوری است خرده بورژوا میشود و خرده بورژوا باشد حزیش میشود این و نظریات سیاسی اش میشود آن و فرهنگش هم میشود این. ما برای آمیزد نقش قائل هستیم. این تعیین کنندگی اقتصاد یا از (بحث) زیربنا و روبنا تبیین دیگری داریم که در آن مبارزه نظری، مبارزه سیاسی اینها همه جای خودش را دارد. یعنی همانقدر مادی است که اقتصاد.

مارکس در "پیشگفتاری بر نقد اقتصاد سیاسی"، اگر بروید نگاه بکنید، رابطه زیربنا و روبنا را خیلی روشن توضیح میدهد. که چگونه آنها از طریق دنبال کردن امیالشان قوانین بنیادی جامعه را متحقق میکنند. چطور، برای مثال، از بین رفتن مذهب یا تضعیف سلسله مراتب مذهبی که یک نیاز جامعه سرمایه داری است از طریق مبارزه فکری یک عده آدم که اعتقادی به مذهب ندارند با مذهب یون صورت میگردد. کسی تلفن نمی زند: "الو اینجا اقتصاد میگویی باید مذهب از بین برود، پس مذهب باید از بین برود!" کسی اقتصاد را نمایندگی نمی کند. کسی نماینده زیربنا نیست. شما نماینده عقاید خودت هستی؛ ولی با جدالی که میکنید قوانین بنیادی جامعه را به اجرا درمی آورید.

اگر جامعه به تولید کالایی تعمیم یافته رسیده و سرتاپا کاپیتالیستی شده و صنعت آمده، واضح است که دیگر سازمان فنودالی (جامعه) دارد فرو میریزد، پشت مذهب دارد ضعیف میشود، علم دارد قوی میشود، تکنیک مهم میشود، در نتیجه به شعور آدمیزاد میرسد که شاید خدایی نباشد و شاید همه اینها دارند دروغ میگویند. دست و پا گیر بودن مذهب را بفهمد و بحث آنرا بکند. این مبارزه عقیدتی هم بخشی از تاریخ مادی است. به جای خود حیات است. مبارزه سیاسی، مبارزه بر سر افکار، اینها اجزای لایتجزای تاریخ و حیات مادی بشر هستند. در نتیجه ما برای

برای این جنبه از وجود بشریت خیلی جا قائلیم. دترمینیسم ما در اینجا نیز پدیده ای است تضعیف شده.

منتهی نکته ای که این به ما نشان میدهد این است که پشت تمام این مبارزات نظری و سیاسی و فرهنگی بر سر زیبایی، هنر، عدل، قانون، انصاف و همه چیز، رنگ تقسیم جامعه به طبقات را ما می بینیم. ما علم و هنر و قانون و سیاست و اندیشه ای ماوراء این تضاد طبقاتی قائل نیستیم. ما معتقد نیستیم که دولت یا احزاب سیاسی یا قانون یا عدل یا انصاف پدیده هایی ماوراء طبقاتی اند. ما اینها را بصورت پدیده هایی می بینیم که با واقعیات اقتصادی و طبقاتی که پشت آنها هست متناسبند.

در نتیجه این یک چیزی را به ما نشان میدهد و آن این است که قضاوت از این پدیده ها همیشه قضاوتی است معاصر. قضاوتی از آنها بعنوان پدیده های امروزی است. این (نوع قضاوت ما) اگر در برنامه حزب کمونیست کارگری نگاه بکنید، میتواند مایه خیلی سوالات باشد. چرا ما میگوییم فحشاء محصول سرمایه داری است وقتی که تاریخ جامعه میگوید این قدیمی ترین شغل مزدبگیرانه جهان است؟ چرا میگوییم تبعیض نژادی محصول سرمایه داری و بانی مشقات بشر سرمایه داری است وقتی که نژادپرستی یک عقیده کهنه بشر است که با تاریخ او آمده است؟ چرا زن سئیزی، بی حقوقی کودک را پدیده هایی میاندیم که مسبب آنها سرمایه داری است، در حالیکه خودشان به قدمت کل تاریخ بشر اند؟ به این دلیل ساده که ما روبنای سیاسی جامعه را ایستا و منجمد نمی بینیم. زن سئیزی، مذهب (و غیره) تابلویی نیست که یک جایی اویزان شده است. (بلکه اینها) پدیده هایی هستند که دارند بازتولید میشوند. و اگر چیزی امروز دارد بازتولید میشود، باید بر مبنای کشمکش اجتماعی طبقاتی امروز خاصیت خودش را پیدا کند.

خیلی چیزها ور افتاده است چون با سرمایه داری مغایرت داشته است. که (اینهایی که ور افتاده اند) خیلی قوی تر از خیلی چیزهای دیگر بوده اند. برای مثال، در همین جامعه (سرمایه داری) بحث آزادی جنسی، "معیارهای (اخلاقی) ویکتوریایی" شکست خورده است و مردم از لحاظ (روابط) جنسی آزادی هایی دارند که ممکن است صد سال پیش فکرش را هم نمی کردند. لافل برای زنان، چونکه مردان همیشه یکجوری زیر جلگی دارند کار خودشان را میکردند. بالاخره مساله (آزادی جنسی) باز شده است. چرا این صورت میگردد؟ بخاطر اینکه آن انقیاد و آن قید و بندها دیگر برد سرمایه داری نمی خورد. آدم آزاد شده، میروند در بازار کار میکنند، خانه خودش را میگیرد و مزد خودش را

هم دارد میگیرد. وابسته کسی نیست. (در نتیجه) قرار نیست معیار کسی را هم گوش بکنند. آن پسر و دختری که نانش را خانواده اش میداده و یا زمین بابایش را به ارث میبرده است، موظف بوده به معیارهای اخلاقی طرف نیز تمکین کند. هرچه آن سلسله مراتب ارث و میراث جامعه را قطع کنید و طرف یک عنصر مستقل و متمیزه ای در جامعه باشد، (در انصورت) تصمیم خودش را میگیرد. در نتیجه این (انقیاد) ضعیف میشود. ولی چرا اسلام، مثلا، تضعیف نمی شود؟ اسلام هم همانقدر با سرمایه داری و کاپیتالیسم مغایر است. چرا (تضعیف نمی شود)؟ برای اینکه به نظر من در جامعه امروز به درد یکی میخورد. اسلام امروز اسلام محمدی نیست. کلیسای امروز هم کلیسای مسیحیت (دوره) مسیح نیست. کلیسای "ایس آی پل"ها (پیروان) بعدی اش هم نیست. نژادپرستی امروز هم نژادپرستی 300 سال پیش نیست. اینها پدیده های امروزی اند. امروز به درد یکی میخورند! و در چهارچوب مبارزه طبقاتی امروز دارند بازتولید میشوند و جایگاه شان را پیدا میکنند.

راز دشمنی افراطی ما با مذهب این جایگاه مهمی در بحث ما دارد، برای اینکه آنوقت میتوانیم رابطه ما را با این پدیده ها (بصورت) سیاسی تعریف کنیم. اینکه چگونه میشود با اسلام مبارزه کرد، یک نفر حالا ممکن است بگوید: "اقا شما این عقاید را حالا بگویید، نشر دهید، با عقاید مردم در بیفتید..." (در جواب چنین کسی باید گفت) جامعه ایران 30 سال پیش که آزاد اندیش تر بود از جامعه ده سال پیش - الان را نمی گویم که یک "بک لشی" هست علیه مذهب - از آستانه انقلاب 57. جامعه ایران سال 1950 جامعه ای خیلی پروغرب تر و ضد مذهبی تر از جامعه ایران 1975، بعداز "شریعتی" و "خانم کاتوزیان" و امثالهم بود. بنابر این بحث روشنگری نیست، بحث قدرت اجتماعی این پدیده هاست. بحث کارایی شان است، بحث چفت شدن به مبارزه طبقاتی. و خاصیت شان برای جامعه امروز. در نتیجه چیزهایی مثل ناسیونالیسم، مذهب، لیبرالیسم، سکسیزم، راسیسیزم، شونیسیم، مردسالاری و غیره، اینها برای ما پدیده هایی نیستند که از ذات بشر آمده باشند، یا محصول تاریخ بشر باشند. بله، همه چیز (محصول تاریخ بشر است) لباسی هم که میپوشیم رنگ لباس تاریخ را دارد ولی امروز کالایی است که تولید میشود و فروخته میشود و به این خاطر ما آنرا میخریم که امروز تولیدشان میکنند و می فروشندش. مذهب و اینها (ناسیونالیسم و غیره) پدیده هایی امروز اند.

این به ما اجازه میدهد که طبقه حاکم را پشت این (پدیده ها) ببینیم، نه طبقات

حاشیه ای، نه تاریخ های قلابی که برابیمان بنویسند. در صورتی که اگر شما بیابید ببینید مبارزه تان علیه مذهب، علیه شونیسیم، مبارزه تان علیه سکسیسم، راسیسم، بخشی از مبارزه عمومی تان علیه کاپیتالیسم است، یک استراتژی های دیگری را در مبارزه سیاسی روزمره و در جامعه و در ائتلاف های تان تبلیغاتتان به شما میدهد. که اگر اینها (مذهب و ناسیونالیسم و غیره) را بصورت پدیده تاریخی و عتیق ببینید به شما نمی دهد. شما بحث "تبلیغ پروسه" حمید تقوایی را نمی دانم پادتان هست یا نه، آن بحثی است که ما از قدیم داشتیم. (آن بحث به چپ ها) میگفت که حرفتان را بروید تبلیغ کنید دیگر! علیه مذهب تبلیغ کنید. (چپ مورد نقد در جواب) می گفت "نه، باورهای مردم است!" و غیره. در این بحث (و نحوه نگرش ما به این پدیده ها) هیچ چیز "باور مردم" نیست. چطور مردم می توانند خیلی چیزهای دیگر که باورشان بوده است را بگذارند کنار اما این یکی را نمی گذارند؟ طرف تصمیم گرفته با رادیوی اس. دبلیو (موج کوتاه) بشنید ببیند بی بی سی چه میگوید اما حاضر نیست دست از سر دخترش در خانه بردارد؟ چرا حقوق زن در خانواده الان پایین تر است در صورتیکه طرف دارد الان با "ریموت" کانال های "کیبل تی وی" اش را عوض میکند و می بیند که در آمریکا برای مثال اوضاع فرق دارد. چرا از این عقیده دست بر نمی دارید؟ این باورهای آنها (مردم) نیست، بلکه باورهایی است که جنبش های سیاسی در جامعه آورده اند که به درد یکی میخورد.

این کاملا فرق ما را نشان میدهد. و اگر دقت کنید در عرصه تاکتیکی تفاوت جدی ما را با چپ نشان میدهد. که: "چرا اینها اینقدر به مذهب بند میکنند!" "چرا رحم نمی کنند به کسی!" "چرا اینقدر خلاف جریان هستند!" "چرا اینها اینقدر نسبت به این تعصبات اینقدر بیرحم عمل میکنند!" و "چرا همیشه جنگ آخرشان را با اینها (با این تعصبات) میکنند!"؟ بخاطر اینکه ما اینها را سلاح های جامعه سرمایه داری میدانیم. نه باور توده ها و یا خاطرات عتیق بشر.

کسی که در جامعه مردسالار است دارد کمک میکند به انقیاد طبقاتی. و باید همین را به او گفت! سوای اینکه جایگاه این (مردسالاری) در زندگی شخصی او یا کسی تحت این تبعیض است چه باشد، دشمنی ما با او انعکاس دشمنی ما با کل این جامعه موجود است. در نتیجه ما پدیده ای به اسم "عقب ماندگی انقلابی" نداریم! در ذهن ما "عقب ماندگی پیشرو"، "عقب ماندگی انقلابی"، "عقب ماندگی خلقی"، "تعصبات پرولتری"، "ارتجاع پیشرو" نداریم اینها را! ارتجاع





برای ما ارتجاع است. اگر چیزی ارتجاعی است مال طبقه ارتجاعی زمان ماست. او دارد بازتولیدش میکند. وگرنه اگر دست بردارد، اگر دست بردارند از حمایت از مذهب، اگر بورژوازی از پشت مذهب کنار برود، ظرف دو سه سال ریشه اش در کره ارض زده میشود! برای اینکه اینقدر نیرو علیه اش جمع شده و اینقدر نفرت علیه آن هست.. ولی شما با سد آموزش و پرورش، منبیا، ارتش، دادگاه، زندان برخورد میکنید. خانم تسلیمه نسرين در بنگلادش یک کلمه حرف ميزند باید زندگی اش را بردارد و برود یک گوشه ای در شمال اروپا زندگی کند. چون به یک شیخ پشم الدینی در محل برخورد کرده است. میگوید "به عقاید توده ها توهین شده است"، ولی اینطور نیست. به منافع آن یارو سر خیابان ضربه خورده است. سهم امایش دارد زیر سوال می رود. حکومت بنگلادش دارد زیر سوال می رود. و حاکمیت آن نوع سرمایه داری آبکی و رفیق و ضعیفی که در آنجا حاکم است زیر سوال می رود. سرمایه داری در یک حلقه ضعیفش کاملاً زیر سوال می رود. میخوام بگویم یک عده نمی فهمند که چرا ما اینقدر لج داریم (با این خرافات) و چرا حزب کمونیست کارگری اینقدر علیه این عقب ماندگی ها و تعصبات افراطی است. بخاطر اینکه (این حزب) همانقدر علیه کل طبقه و دولت بورژوا، علیه احزاب طبقات حاکم افراطی است. و (در نتیجه) علیه ابزارهای جانبی شان هم به همین دلیل افراطی است.

ادامه از صفحه اول

اطلاعیه بمناسبت روز جهانی...
هستند. صدها میلیون کودک هر چند که زنده اند اما در بدترین شرایط زیستی بسر میبرند و روزانه هزار هزار از آنان در سکوت پرپر میشوند.
گرسنگی، بی مسکنی، بی دارویی، کار طاقت فرسا، توهین و تحقیر و فرودستی در جامعه و خانواده، سواستفاده های جسمی و جنسی، جنگ، دست درازی مذاهب و دهها موردی که به چشم دیده نمیشود زندگی کودکان را کاملاً به نابودی کشانده و مرگ دهها کودک در هر دقیقه عمق این فاجعه را نشان میدهد.
مسبب این وضعیت سیستم سرمایه داری و دولتهای حافظ این نظام در تمامی نقاط دنیا هستند. دولتهایی که بر کاستی ها و شرایط زیستی کودکان کاملاً واقفند و مرگ و میر کودکان را تنها نظاره گردند. در اکثر کشورها کمترین بودجه های دولتی برای زندگی کودکان اختصاص یافته است. کودکان فراموش شدگان در مبارزه با محرومیت های اجتماعی هستند و همین دولتها بوجود آورنده و استمرار دهنده وضعیت نابسامان فعلی اند.
اما در ایران وضعیت کودکان فاجعه بار

است. جمهوری اسلامی در کنار فقر و محرومیت شدید، با قوانین اسلامی و فرهنگ منحطش زندگی را برای کودکان صد چندان دشوار کرده است. دختران نه ساله را بالغ می نامد و حجاب اسلامی بر سرشان میکند. کودکان را اعدام میکند و یا سالهای سال در سیاهچالهایش زندانی میکند، آموزش و پرورش را مملو از خرافات و مهملات اسلامی کرده است، کودک را جزو احشام بشمار می آورد و هیچ حق و حقوق انسانی را برای کودکان قائل نیست و کلا زندگی کودکان و نوجوانان را با قوانین اش به نابودی کشانده است. در کنار این مصائب میلیونها کودک تنها به دلیل فقر والدین شان خارج از چرخه تحصیلی قرار دارند و مجبورند در سختترین شرایط کار کنند تا کمک خرجی برای خانواده باشند. چندین میلیون کودک نان آور خانه هستند و به شکل وحشیانه ای توسط کارفرمایان استثمار میشوند.
اما در میان این همه سیاهی و مشقات روزنه های امید فراوان است بویژه در ایران جنبش دفاع از حقوق کودکان پرتوان در اعماق جامعه میجوشد که گوشه هایی از آنرا در برگزاری مراسمهای روز کودک و یا جشن هایی برای شادی کودکان، شاهدیم. مدافعین حقوق کودک در این مراسمها نظام سرمایه داری و سیاستهای کودک ستیز جمهوری اسلامی را به نقد می کشند و خواهان زندگی بهتری برای کودکان میشوند.

۸ اکتبر (۱۶مهر) از جمله در ایران روز جهانی کودک نامیده میشود، باید این روز را در ابعاد هر چه باشکوه تری جشن بگیریم. باید در این روز مساله کودک را به مساله کل جامعه بدل کنیم. باید حول خواسته های روشن و انسانی مان، مردم هر چه بیشتری را گرد آوریم: **تحصیل رایگان و اجباری برای همه کودکان**
_ جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش. مدرسه جای فراگیری علم است.
_ تامین وسایل آموزشی و دادن يك وعده غذای گرم به همه دانش آموزان
_ لغو آپارتاید جنسی کودکان در مدارس
_ ممنوعیت هر نوع تنبیه جسمی و روحی در مدارس
_ امور پزشکی برای کودکان باید رایگان باشد، در تمامی مدارس باید درمانگاهی مجهز وجود داشته باشد
_ تامین زندگی شاد و مرفح برای همه کودکان،
_ ممنوعیت اعدام، شکنجه و زندانی کردن کودکان
این خواسته ها قابل اجرا و عملی است. امکانات مادی آن در جامعه ثروتمند ایران موجود است، کافی است که بخشی از چپاول ها در جمهوری اسلامی به امر

کودکان اختصاص یابد.

اما این خواسته ها تنها با نیروی فشار ما قابل تحقق است، نجات دهنده کودکانمان تنها نیروی متحد و متشکل خود ماست با برگزاری روز کودک این اتحاد و همبستگی را عمیق تر و گسترده تر کنیم، با برپایی جشن های باشکوه در روز کودک، شادی را به میان کودکان بیاوریم و همزمان امید به تغییر و زندگی بهتر را هر چه بیشتر تقویت کرده و جنبش دفاع از حقوق کودک را به خیابانها بکشانیم. بهبود وضعیت کودکان همین امروز.

نهاد "کودکان مقتدمند" سپتامبر ۲۰۰۸ مهر ۱۳۸۶

ادامه از صفحه اول

تظاهرات در مقابل حضور...

سه شنبه ۲۳ سپتامبر همزمان با حضور احمدی نژاد در نیویورک که برای شرکت در اجلاس سالانه سازمان ملل به آنجا سفر کرده است، اعتراضات متعددی علیه جمهوری اسلامی برگزار شد. در یکی از این میتینگ های اعتراضی که به ابتکار حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد، فعالین حزب با ایراد سخنرانی های افشاگرانه علیه رژیم اسلامی، دایر کردن نمایشگاهی از جنایات جمهوری اسلامی و همچنین برافراشتن باندرولهایی که بر روی آنها شعارهایی علیه رژیم جنایتکار اسلامی نوشته شده بود، توجه مردم و رسانه ها را به خود جلب کردند. در این میتینگ صدها اطلاعیه حزب به زبان انگلیسی با عنوان "احمدی نژاد جنایتکار است، باید زندانی و محاکمه شود" در میان مردم پخش شد و فعالین حزب با خیرنگاران درباره جنایات رژیم و مبارزات بخش های مختلف مردم برای زیر کشیدن این رژیم مصاحبه کردند.
از سوی دیگر در تظاهرات دیگری که به ابتکار نازنین افشین جم تحت عنوان "دیوار شرم برای احمدی نژاد" برپا شده بود، فروغ ارغوان از کادرهای حزب کمونیست کارگری به نمایندگی از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام سخنرانی پرشوری کرد که چندین بار مورد تشویق حاضرین قرار گرفت. فروغ ارغوان به لیست طولانی جنایات جمهوری اسلامی اشاره کرد و کیفرخواست مردم بپاخاسته ایران علیه رژیم اسلامی را برشمرد و اعلام کرد که این رژیم "انتخاب" مردم ایران نیست، قاتل مردم است و باید به قدرت مردم سرنگون شود.
در اطلاعیه های بعدی گزارشات مشروحتری از تظاهرات علیه جمهوری اسلامی در نیویورک را همراه با تصاویر این تظاهرات به اطلاع خواهیم رساند.
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

ادامه از صفحه اول

روز قدس جمهوری....

هر سال بمناسبت روز قدس، که از طرف خمینی اعلام شده است، طرفداران جمهوری اسلامی در خیابانهای لندن عریضه میکشند. امسال نیز روز یکشنبه ۲۸ سپتامبر قرار است همین مرتجعین و مدافعین حکومت اسلامی به راه پیمایی بپردازند.
بیایند تا همصدا با هم اعلام کنیم که ما حکومت اسلامی نمیخواهیم. روز قدس جمهوری اسلامی يك شهادی سیاسی است و ربطی به حمایت از حقوق مردم فلسطین ندارد. جمهوری اسلامی و کل جریانات اسلامی همان اندازه جنایتکارند که دولت اسرائیل. اینها نه دوستان، بلکه دشمنان مردم فلسطین، اسرائیل، ایران و عراق و افغانستان و مانع احقاق حقوق مردم این کشورها هستند. حل عادلانه مساله فلسطین با به میدان آمدن مردم آزادیخواه و عقب راندن این دولتها و جنبش ارتجاعی اسلامی امکان پذیر است.
سال گذشته بنا به فراخوان حزب کمونیست کارگری و تعدادی از سازمانها و شخصیت های مدافع حقوق انسان از جمله "اورکرز لیبرتی"، "کلاس وور"، "هریز پلس" و سازمان "اکس مسلم" تعداد قابل توجهی از آزادیخواهان و مخالفین دخالت اسلام و مذهب در زندگی اجتماعی مردم در میدان پیکادلی لندن جمع شدند و با سر دادن شعارهایی چون "ازمبارزات مردم ایران، از حقوق کارگران، زنان و جوانان حمایت کنید"، "ما از مردم فلسطین حمایت میکنیم نه از افکار احمدی نژاد" اعلام کردند که بساط اسلام سیاسی باید جمع گردد.
امسال نیز صدای آزادیخواهان در میدان پیکادلی شنیده خواهد شد. اعلام خواهیم کرد که جمهوری اسلامی جنایتکار است و روز قدس جمهوری اسلامی نمیتواند آبرویی برای آنها بخرد.
در حمایت از مبارزه آزادیخواهان مردم فلسطین و در مقابل جمهوری جنایتکار اسلامی به صف ما بپیوندید.
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران _ واحد بریتانیا
۲۲ سپتامبر ۲۰۰۸

اسرائیل: بحث های موافق و مخالف پیرامون حمله به ایران
شیمون پیرز، رئیس جمهور اسرائیل، یازدهم ژوئیه ۲۰۰۷، اورشلیم - پیرز، پدر هسته های اسرائیل، طرفدار فشار اقتصادی بر ایران است
در اسرائیل بحث پیرامون حمله احتمالی به ایران بالا گرفته است. رئیس جمهور اسرائیل سایر رهبران این کشور را به خویشتنداری و ترجیح گزینه های





غیرنظامی فرا خوانده است. او از سیاست آمریکا در خاور میانه هم انتقاد کرده است. شیمون پرز، رئیس‌جمهور ۸۵ ساله اسرائیل، به ایهود اولمرت، نخست‌وزیر این کشور، در مورد حمله به ایران هشدار داد. وی نخستین مقام بلندپایه سیاسی این اسرائیلی است که مخالفت خود را با اقدام نظامی علیه ایران اعلام می‌کند.

پر ز هرگونه اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی را جرقه‌ای برای شعله‌ور شدن جنگی تازه می‌داند. به اعتقاد وی استفاده از گزینه‌های دیگر، همچون تحریم‌های اقتصادی، مؤثرتر و بی‌خطرتر خواهد بود. پرز اجماع جهانی برای افزایش فشار بر جمهوری اسلامی را بهترین گزینه خوانده است.



شائول موفاز رئیس‌جمهور اسرائیل معتقد است که جمهوری اسلامی در شرایط کنونی خطری برای اسرائیل به حساب نمی‌آید، این‌که کشوری سلاح اتمی داشته باشد هم کسی را نگران نمی‌کند، بلکه مشکل اصلی، حکومت ایران و شخصی چون احمدی‌نژاد است. وی می‌پرسد: «این‌که فردا سوئیس اعلام کند که به بمب اتمی دست یافته، آیا کسی را نگران می‌کند؟»

پر ز در ادامه می‌گوید که اگر سلاح اتمی به دست تروریست‌ها بیفتد، دیگر نمی‌توان دنیا را مدیریت کرد.

ایهود اولمرت و ایهود باراک، نخست‌وزیر و وزیر دفاع اسرائیل، بارها اعلام کرده‌اند که ایران اتمی را تحمل نخواهند کرد. باراک ماه گذشته و پس از دیدار با کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه ایالات متحده، اعلام کرده بود که اسرائیل از تمام گزینه‌ها برای جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به بمب اتمی استفاده خواهد کرد.

در ماه جاری میلادی (سپتامبر) کادیم، حزب حاکم اسرائیل، چهره جدید برای جانشینی اولمرت، نخست‌وزیر این کشور، را معرفی خواهد کرد. شائول موفاز، معاون نخست‌وزیر و خانم تزویی لیونی، وزیر امور خارجه اسرائیل، نامزدهای اصلی تصدی پست نخست‌وزیری این کشورند. موفاز از کسانی است که در عرصه سیاسی اسرائیل، بر باقی‌ماندن گزینه نظامی علیه ایران تأکید می‌کند.

انتقاد از سیاست خارجی آمریکا

پر ز همچنین از سیاست خارجی ایالات متحده انتقاد کرده است، سخنانی که شنیدن آن از زبان سران اسرائیل کمی غریب به نظر می‌رسد. وی معتقد است که ایالات متحده برای صدور دموکراسی - با تعریف آمریکا - به خاور میانه، بیش از حد بر نیروی نظامی تکیه می‌کند و با این روش مخالفان بسیاری را در منطقه برای خود خریده است.

۲۸ اوت ۲۰۰۷، مانور نظامی نیروهای بسیج در نزدیکی قبه نظر پرز آمریکا به راحتی می‌تواند با استفاده از ابزارهای اقتصادی به هدف خود در منطقه برسد. وی می‌گوید اگر ایالات متحده از پادشاه عربستان یا اردن بخواهد که انتخابات برگزار کنند، آنها مقاومت می‌کنند چون فکر می‌کنند که دموکراسی یک دین جدید است و آنها ترجیح می‌دهند مسلمان باقی بمانند، اما اگر این کشور فناوری‌های نوین را به منطقه بیاورد، به خوبی از آنها استقبال می‌شود.

پر ز در ایتالیا به سر می‌برد و گفته می‌شود در تلاش برای اجماع جهانی برای افزایش فشارها بر ایران است.

رزمایش نظامی سه روزه در ایران از روز دوشنبه (۱۸ شهریور) مانور سه‌روزه مشترکی با حضور نیروهای ارتش و سپاه برگزار خواهد شد. روزنامه انگلیسی‌زبان "ایران دیلی" چاپ تهران، هدف از این مانور را ارتقای توان دفاعی و آزمایش سلاح‌ها و برنامه‌های جدید دفاعی اعلام کرده است. در این رزمایش همچنین تجهیزات دفاع از حمله هوایی نیز آزمایش خواهند شد.

سال تحصیلی جدید با تمام قوا

برای سرنگونی جمهوری اسلامی اول مهر و بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها امسال در حالی فرا می‌رسد که اعتراضات دانشجویان از دانشگاه‌های اصفهان، شیراز، پلی تکنیک و علم و صنعت چند روزیست شروع شده است. امسال هنوز دانشگاه‌ها شروع نشده دانشجویان اعتراضات خود را شروع کرده‌اند.

سال گذشته برای دانشجو و دانشگاه و اعتراضات دانشجویان سال پر افتخار و سراسر مبارزه ای بود. مراسم حضور احمدی نژاد را بیکبار لغو کردند و بار دوم در ۱۶ مهر مجبورشان کردند دور از چشم دانشجویان از در پشت وارد محل سخنرانش کنند. مراسم روز دانشجو سرخ تر و وسیعتر از سال‌های قبل برگزار شد و به عنوان تظاهرات مارکسیست‌ها به سراسر دنیا مخابره شد و این بار حکومت اقدام به دستگیری‌های وسیعی در میان دانشجویان کرد. بیش از ۶۰ نفر از دانشجویان دستگیر شدند تا بلکه صدای اعتراض در دانشگاه

خفه شود. اما اعتراض نه تنها خفه نشد که جهانی شد. هفته همبستگی با دانشجویان زندانی در سراسر دنیا صدای اعتراض دانشجویان بود که علیه سرکوب حکومت اسلامی ایستاده‌اند.

در سال تحصیلی گذشته اما اتفاق مهم دیگری که افتاد توده ای شدن اعتراضات دانشجویان بود. بعد از ۱۶ آذر و تمام تلاش حکومت برای سرکوب دانشجویان، اعتراضات گسترده چند شبانه روزی کوی دانشگاه تهران نشان داد دانشگاه ساکت نمی‌شود. دانشگاه شاهرود، آموزشکده‌های فنی تهران، دانشگاه اصفهان، دانشگاه تربیت معلم، دانشگاه سهند ... و اعتراضات دانشجویان گسترده تر و پیگیرانه تر از قبل ادامه یافت. اینها فقط نمونه‌هایی از اعتراضات و مبارزات دانشجویان در سال گذشته است.

اما حکومت اسلامی بعد از تعطیل شدن دانشگاه‌ها با دستگیری و سرکوب فعالین دانشجویی به پیشواز مهر امسال رفت تا شاید از شدت و گستردگی اعتراضات دانشجویان بکاهد، ولی اعتراضات دانشجویان هنوز دانشگاه‌ها شروع نشده نشان داد دانشگاه قصد کنار آمدن با شرایط موجود را ندارد. دانشگاه و دانشجو هم مانند سایر بخش‌های معترض جامعه نشان داده‌اند قصد کوتاه آمدن از مطالبات به حقشان را ندارند، می‌دانند با وجود چنین حکومت سفاکی به مطالباتشان نمی‌رسند و حکم به رفتن رژیم اسلامی داده‌اند.

امسال برای دانشگاه سال تعرض همه جانبه و هر چه گسترده تر به حکومت و تمام ظواهر سرکوبگری و عقب ماندگی آن ست. امسال سالی ست که می‌توان و باید با اعتراضات متشکل برای آزادی دانشجویان زندانی و برچیدن نهادهای سرکوبگر از دانشگاه، برای برچیدن آپارتاید جنسی، برای لغو قوانین تبعیض آمیز و برای خلاصی از شر فقر و سرکوب و همه آن چیزها که جمهوری اسلامی نماینده آن ست توده گسترده دانشجویان به میدان بیاید و این مسئله را داشتن خط و سیاست، و نقد رادیکال و سوسیالیستی به وضعیت موجود است.

سازمان جوانان کمونیست همه دانشجویان و جوانان را فرامی‌خواند تا حول سیاست‌های سازمان جوانان و زیر پرچم حزب کمونیست کارگری متشکل شوند و برای سرنگونی جمهوری اسلامی به سازمان جوانان کمونیست بپیوندند.

سازمان جوانان کمونیست با تمام قوا برای سازمان دادن اعتراضات و گسترش هر چه بیشتر مبارزات دانشجویان و جوانان در جامعه به استقبال سال تحصیلی جدید می‌رود و از تمام امکانات خود برای رساندن صدای

اعتراض جوانان و مردم در ایران در سطح هر چه وسیعتر استفاده می‌کند.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
سازمان جوانان کمونیست

۳۱ شهریور ۸۷، ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۸

آثار شکنجه‌های وحشیانه بر

روی بدن معلم کامیاری

فعالان حقوق بشر در ایران ساسان بابایی معلم کامیاری که در شهریور ماه سال ۸۵ به اتهام ارتباط با احزاب اپوزوسیون محکوم به تحمل ۵ سال حبس تعزیری گردیده بود، در تاریخ ۲۱/۴/۸۷ به دلیل کشف نامه‌ای از وی که در حمایت از فرزند کمانگر نگاشته بود به بازداشتگاه اداره اطلاعات شهر سنج منتقل گردید، وی مدت ۴۵ روز را بدون داشتن حق تماس در سلول انفرادی به سر برد، بی‌خبری مطلق از سرنوشت نامبرده موجب نگرانیهای متعددی در بین زندانیان و خانواده وی گردیده بود.

سرانجام آقای بابایی در تاریخ ۸/۶/۸۷ به زندان مرکزی سنج منتقل گردید، خانواده وی پس از حدود دوماه بی‌خبری از وی به تازگی موفق به دیدار وی گردیدند، وضعیت بسیار بد جسمی و آثار مشهود ضرب و شتم در سراسر بدن نامبرده را رویت نموده‌اند. همچنین لزش دستان و بدن وی که نشان از عدم تعادل جسمی وی داشته است. وی از ناحیه دست چپ نیز دچار آسیب گردیده است به طوری که حرکت دادن دست برای وی مشکل است.

آقای بابایی همچنین به علت شرایط بد محیطی بازداشتگاه اداره اطلاعات سنج دچار عفونت دستگاه گوارشی گردیده است که عملاً تغذیه نامبرده را با مشکلات عدیده‌ای رو به رو ساخته است. آقای بابایی نیازمند رسیدگی پزشکی می‌باشند. این زندانی سیاسی قصد اعلام شکایت از وزارت اطلاعات مبنی بر شکنجه خود را دارد.

حکم اعدام برای یک نوجوان

دیگر

به گزارش خبرگزاری حکومتی ایسکانیوز، حکم اعدام یک جوان ۱۹ ساله بنام حسین که در هنگام ارتکاب جرم ۱۷ سال سن داشته به تایید دیوان عالی جمهوری اسلامی رسیده است.

حسین در شامگاه ۱۸ آبان ۱۳۸۵ به دنبال درگیری دسته جمعی در مقابل یک آژانس در خیابان ارمانان فرزند، علی ۳۰ ساله را با ضربه کارد از پا درآورد و گریخت اما صبح روز بعد با همکاری پدرش در هشتگرد کرج دستگیر شد.



اسرائیل: نشانه پیشرفت خطرناک**رژیم تهران در زمینه هسته ای**

شائول موفاز وزیر راه و ترابری و معاون نخست وزیر اسرائیل گفت نباید اجازه داد عملیات غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران انجام شود.

رادیو اسرائیل به نقل از موفاز افزود تکمیل تاسیسات هسته ای بوشهر نشانه پیشرفت خطرناک رژیم تهران و گامی به عقب در تلاشهای دیپلماتیک برای جلوگیری از ادامه فعالیت‌های هسته ای این رژیم است.

معاون نخست وزیر اسرائیل گفت دستیابی رژیم تهران به قدرت هسته ای امنیت جهان را به خطر می‌اندازد.

در همین پیوند منابع خبری اسرائیل اعلام کردند، اهود اولمرت نخست وزیر اسرائیل امروز به مشورت‌های امنیتی با اهود باراک وزیر دفاع و تسبیی لیونی وزیر خارجه این کشور خواهد پرداخت.



تلویزیون ۲۴ ساعته

کانال جدید

مشخصات فنی:

ماهواره هات برد ۸ -

فرکانس ۱۲۳۰۳

مگاهرتز - سیمبل ریت

۲۷۵۰۰ - اف ای سی

۴/۳ پلاریزسیون

Vertica عمودی -

nctv.tamas ایمیل:

@gmail.com

تلفن

تماس:

۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

در دست نیست همچنین فعال دیگری به نام هیوا از فعالین شهر مریوان که از روز دوشنبه هفته پیش ناپدید شده بود روز یکشنبه این هفته در تماسی تلفنی با خانواده اش از دستگیری خبر داده بود و همچنین گفته بود که با چند نفر کرد دیگر که همزمان هفته پیش دستگیر شده بودند به کرج انتقال داده شده است که آنها را نمی‌شناسد

از سوی دیگر در شهر سنندج فردی به نام علی افزا روز جمعه توسط ماموران امنیتی در خانه اش دستگیر شده است. نامبرده از فعالین مدنی و کوهنورد می‌باشد به گفته خانواده وی ماموران اطلاعات به همراه وی سیستم کامپیوتری، کتاب و دیگر وسایل شخصی وی را نیز با خود برده اند

گرامیداشت قتل عام زندانیان**سیاسی سال 67 در شهر مهاباد!**

فعالین حزب و جوانان انقلابی شهر مهاباد روز ۱۵ شهریور در بیستمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در نقاط مختلفی در شهر مهاباد دست به شعار نویسی زدند

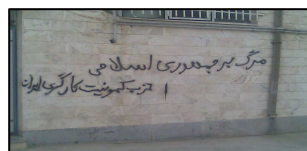
فعالین حزب در چهار راه آزادی، میدان آرد و میدان استقلال با شعارهای چون، "سوسیالیزم به پا خیز برای رفع تبعیض"، "اعدام نه"، "سنگسار نه"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "دانشجوی زندانی آزاد باید گردد"، "زنده باد حزب کمونیست کارگری"، "زنده باد کانال جدید"، "زنده باد حمید تقوای"، "زنده باد منصور حکمت"، "حکومت مذهبی نمی‌خواهیم"، "زنده باد آزادی برابری حکومت کارگری" و چندین شعار دیگر یاد قربانیان سال 67 گرامی داشتند

کمیته کردستان حزب کمونیست ایران به جوانان انقلابی شهر مهاباد درود می‌فرستد و همه مردم کردستان را فرا می‌خواند که یکپارچه برای لغو احکام زندانیان سیاسی و آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی به میدان بیایند و در هر کوچه و خیابانی باید شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و زندانی سیاسی آزاد باید گردد را نوشت و به این شیوه نفرت و انزجار خود را از جانیان اسلامی ابراز دارید

کمیته کردستان حزب کمونیست

کارگری ایران

۱۸ شهریور ۱۳۸۷



و افزود: این معامله هفت میلیارد دلاری شامل سیستم های ضد موشک، سیستم ارتباطاتی، موشک انداز، رادار و آموزش پرسنل امارات است. کنت کاتزمن از متخصصین امور خلیج فارس در «مرکز پژوهشی کنگره» می‌گوید: امارات متحده سال‌ها نگران عملیات تلافی جویانه ایران علیه این کشور، در صورت حمله آمریکا یا اسرائیل به تاسیسات هسته ای ایران است

آمریکا، اسرائیل، اتحادیه اروپا و بسیاری از کشورهای دیگر ایران را متهم می‌کنند که در پی ساخت بمب اتمی است. تهران همواره این اتهامات را رد کرده و هدف برنامه هسته ای خود را صلح آمیز می‌خواند

مقامات آمریکایی و اسرائیلی اعلام کرده اند که خواستار حل بحران هسته ای ایران از طریق دیپلماتیک هستند ولی گزینه نظامی را هنوز بر روی میز می‌دانند

مقام های ایرانی بارها تهدید کرده اند که در صورت حمله آمریکا یا اسرائیل به تاسیسات هسته ایش، اسرائیل و پایگاه های آمریکا در منطقه را مورد هدف قرار می‌دهند

در همین حال مقامات ایرانی حدود دو ماه پیش اعلام کردند که موشک هایی با برد دو هزار کیلومتر ساخته اند. آقای کاتزمن می‌گوید: امارات می‌تواند هدف «جذابی» برای حمله موشک های ایران باشد و میلیاردها دلار سرمایه گذاری در تاسیسات زیربنایی این کشور را مورد هدف قرار دهد

در چند ماه گذشته، لهستان و جمهوری چک نیز با ایجاد دفاع موشکی در خاک خود با آمریکا به توافق رسیدند. ایالات متحده این سیستم را برای مقابله با کشورهایمانند کره شمالی و ایران خواند در حالی که روسیه چنین سیستمی را برای مقابله با خود دانسته است

ریوده شدن چند فعال دانشجویی**در کردستان**

گزارش دریافتی: یک فعال دانشجویی بنام پیام حسینی روز جمعه پس از جواب دادن تلفن و خروج از خانه ناپدید شده است و تاکنون هیچ اطلاعی از سرنوشت او در دست نیست. همچنین ژیان مظفری دانشجو و فعال مدنی دیگر کرد از دو هفته پیش به شیوه مشکوکی ناپدید گشته است

نامبرده با هدف دیدار یکی از دوستان خود به طرف شهر کرمانشاه حرکت کرده بود. به گفته خانواده و دوستان وی، ژیان به شهر کرمانشاه نرسیده و با وجود مراجعه ی خانواده نامبرده به مراکز انتظامی و امنیتی و ارگان های مربوطه، تاکنون هیچ اطلاعی از سرنوشت وی

این جوان در نامه ای اعلام کرده که طی بازجویی تحت فشار شدید (شکنجه) بوده و از این رو قتل را به گردن گرفته است، اما دادگاه اسلامی حکم به اعدام وی داد و روز شنبه ۱۶ شهریورماه این حکم در شعبه 31 دیوان عالی رژیم به تأیید رسید. بدین ترتیب حسین نیز به صف بیش از ۱۲۰ نوجوان دیگر که در زندانهای جمهوری اسلامی در انتظار اجرای حکم اعدام هستند، پیوست.

اعدام نوجوانان توسط جمهوری اسلامی با اعتراض شدید سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر روبرو شده است.

رژیم جمهوری اسلامی تنها حکومت در جهان است که با نقض قوانین بین المللی، نوجوانان را اعدام می‌کند.

قرار وثیقه 100 میلیون تومانی برای 2 بازداشت شده در گورستان خاوران

برای امیر امیرقلی دانشجوی دانشگاه آزاد و سولماز ایگدل فعال زنان که در اولین جمعه شهریور ماه در برابر گورستان خاوران در جنوب شرقی تهران بازداشت شده بودند. قرار وثیقه صد میلیون تومانی صادر شده است.

گفتنی است در اولین جمعه شهریور ماه دست کم 20 تن از جمله امیر امیر قلی و سولماز ایگدل در برابر گورستان خاوران که محل دفن زندانیان سیاسی اعدام شده در دهه 60 است، بازداشت شده اند

امارات برای مقابله با تهدید**موشکی ایران سیستم دفاع****موشکی از آمریکا خریداری می****کند**

امارات متحده عربی خواستار خرید سیستم پیشرفته دفاع موشکی از آمریکا به ارزش هفت میلیارد دلار برای مقابله با تهدید موشکی ایران است.

پنتاگون قرار است به زودی به کنگره آمریکا در مورد تصمیمش برای فروش سیستم پیشرفته دفاع موشکی «تاد» به امارات، گزارش دهد.

کنگره پس از ارائه این گزارش ۳۰ روز وقت دارد تا آن را مورد بررسی قرار دهد ولی تقریباً هیچوقت چنین تصمیمات و معامله هایی را بلوک نمی‌کند.

این «رویترز» به گزارش خبرگزاری نخستین بار است که آمریکا به یک کشور دیگر چنین سیستم پیشرفته ای را می‌فروشد

یکی از کارمندان کنگره آمریکا که نخواست هویتش فاش شود، در این مورد گفت که «به هر حال ما با استقرار چنین سیستمی در امارات متحده ماه‌ها فاصله داریم. شاید هم این امر بیش از یک سال «طول بکشد»